

بقلم : آقای دکتر علی مظاہری

استاد دانشگاه پاریس

قبله و محراب باعتبار هیئت و لفظ^(۱)

و نیز برخی از امام میان قبله و (محراب) خلط کرده‌اند :

از جمله ترسیان لطینی یعنی (فرنگی) و غربی که لفظ (شپل) *Chapelle* را بمعنی قبله و محراب هر دو استعمال مینمایند ولی فرهنگ نگاران ایشان خود می‌دانند که این لفظ محرف اصطلاح (کپله) یعنی *Capella* بظلمیوس است بلکه آنرا از *Cappa* یا *Chappe* یعنی (قبا)ی مار مرطینوس که قدیمآ آن قبا یاغبسا یا (غبایه) را می‌پرستیده‌اند گرفته و (شپله) *Chapelet* یعنی سبحة را نیز بمعنی (دبیم) تصور کرده‌اند .

و حال آنکه از نصاری و مسلمانان و شمنان که جمله تسبیح ها دارند هیچ

۱ - قوله : و اکثر اطعمة (اهل قبله) مستملاة من اطعمة اهل الشرق و کذا اکثرأ احوالهم من میانهم و اشکال دیارهم و سطوحها و استعمال الابل فی السواقی و الطواحین و دق النوی لعلها - نعم - و علی ان البر بریة غالبه علی السنة اهل القبلة) فهم یستعملون کثیرأ من الفاظ اهل العراق) کتبخانه کشوری پاریس .

دفتر عربی مخطوط بنشانه ۳۹۴۰ .

یعنی: و خورشهای مردم (قبله) بیشتر بدستور خورشهای مردم مشرق بود و بهم چونین بیشتر عادات ایشان از طرز ساختمانهاشان و سراپها و خانههای بیامهای مسطح و عادت آب کشیدن باشران از چاهها و گردانیدن آسیابها بدیشان ، و آرد کردن هسته‌های خرما از برای نواله ایشان .

آری باوجود آنکه زبان مردم (قبله) از بنیاد زبان بربرست بسیاری از الفاظ مردمان عراق) را میدانند و در محاورات می‌گویند .

کدام تسبیح را بجای عمامه یا کلاه بکار نبرده و می نبرند و فرنگان آنرا (روزر) Rosaire نیز میگویند به معنی گل سرخ و همین همانا که ترجمه غلط (ورد) عربی باشد که بفتح واو گل سرخ است لکن اصلاً بکسر واو بوده باشد بمعنی دعا و (ورد) گفتن و خواندن .

واصح و سهی تر آنکه (شپله) یعنی محرابك و قبله دستی یا جیبی .
و محراب بمعنی قربانگاه باشد .

در مسلمانی قربانگاه منحصرست بمکه معظمه و بروز عید اضحی .

لکن در ترسائی هر کنشتی قربانگاهی دارد که الطر Altar گویند و کاهن خون یسوع ، شراب قرمز ، ولحم او ، فطیر ، را روزی چند نوبت بین گروندگان بخش و نثار میکند و داریسوع نیز بر فراز آن مذبح یا مطبخ یا قربانگاه نهاده شده - و لکن در ساده ترین کنشتها، گرد بر گرد این قربانگاه سه (شپل) راست کرده اند، محراب وار، و تندیس ماران صلیب یعنی قدیسان را در آنها نهاده می پرستند ولی در کنشتهای عظیم تعداد این محرابها تا یازده باب باشد زیرا که چهارمین و دوازدهمین محراب با باب کنشت همیشه خلط کرده آمده و چون یسوع نایب مناب (مهر) یا (مشرد) Mithra است که عبارت باشد از خورشید و مقام او (چرخ چهارم) است ۱۲ محراب که بر گردویند دلیلند بر ۱۲ ساعت یا (هورا) Hora جمع آن (هوری) Horae لفظی که ظاهراً پشت سر اصطلاح دینی (خواران) هواران یا حواریون قرار گرفته است و این (هور) ها یا ساعات روز ، بواو مجهول ، بالفظ (هور) یا (خور) پارسی بمعنی خورشید یکی خواهند بود و فعلاً فرنگیان Heurc و لندنیان Hour و مردم الامان Uhr تلفظ میکنند و جمله محرف (هور) و (خور) پارسی است که از طریق اسکندریان بدیشان رسیده است .

و براهمه که ایشان نیز کاهنان یعنی قربانی کنندگانند در بنارس که، زبانم لال،

مكة ایشانست ستونی سنگین برافروخته‌اند که دلیل بر قطب یعنی (ستونۀ) آسیاست که مراد چرخ فلک باشد و قربانی‌را، که پموسه بحکم آیین ایشان عبارتست از یکی بزغاله برسم تصدق گردد بر گرد آن ستون گردانیده بکاری از سنگ ذبح میکنند و خون او را بر آن ستون میافشانند و دور نیست که میان این بز براهمه و بز بطلمیوس و آن بز آن که عبدالرحمن صوفی یاد میکند در اصل قرابتی بوده باشد، بهمچنین این ستون و ستونۀ آسیا و آسمان که نیز عبدالرحمن صوفی نقل کرد.

منتهی اینکه در اسلام این معانی تخفیف بسیار حاصل نموده یعنی قبلة مطلقاً بمعنی جهة آمده.

و (من این قبلتك ای جهتك):

آیا روی در کجا داری؟

و محراب نیز صرفاً بمعنی صدر مجلس بیامده (محراب ج محاریب: پیشگاه های مجالس).

راجع (الصراح) در شرح لغات صحاح (جوهری).

و حمدالله مسترفی سپس یاد کردن این امر که چون عمر خطاب خلیفت ثانی مر (صهیون) را بر گشود کعبه آن جای را تابع مكة معظمه گردانید (محراب بر سمت کعبه راست کرد) میگوید:

اکثر مشاهیر انبیا که آنجا بوده‌اند هر یکرا محرابیست اما محراب داود از همه معتبرتر است.

اقول: بدین جهة که از نظر جهودان قطب عبارتست از ستاره (داود) بانی داستانی هیکین صهیون و بنابراین (محراب) او که قطب بوده در میان نهاده شده بوده و از آن انبیای دوازده گانه گردد بر گرد او:

جهودان ۱۲ برج را با اسباط اثنی عشر یکی میگیرند و (اسرائیل) را قطب

ایشان می‌پندارند و نیز قائلند بوجود دو گروه (انبیا) هر گروه ۱۲ تن گروه نخستین را (نبیاییم رواشونیم) و گروه دیگر را (نبیاییم آخرنیم) گویند که کل ۲۴ تن باشند، از ایشان دوازده تن اول دلیلند بر ۱۲ ساعت روز، و آن ۱۲ دیگر دلیلند بر ۱۲ ساعت شب. لکن وقتی که عمر خطاب (صهیون) را ضمیمه اسلام نمود پانصد سال میشد که رومیان قطب آن هیکل را بنام یسوع و سایر محاریب را بنام حواریان کرده بودند و ناچار عمر خطاب هم سامان و نظام ترسائی (صهیون) را بسامان اسلامی باز گردانید و محرابهای ایشانرا از (قطب) و جز قطب، بسمت مکه معظمه برگردانید.

وهم حمدالله گوید:

بدنبال مطلب قبل که چون در ۴۹۰ هـ ق فرنگان صلیبیان (صهیون) را از تصرف اسلامیان بیرون کردند محرابهای اسلامی آنجا را نیز ویران ساخته، آنهارا به محاریب ترسائی برگردانیدند. تا اینکه پس از نود و پنج سال که آن دیار در تصرف فرنگان صلیبیان بماند باردیگر در ۵۸۵ هـ ق صلاح الدین ایوبی آنرا مستخلص کرد و مجدداً (محرابها را صورت محاریب اسلامی داد) (۱).

۶- همچنانکه در تاریخ (گزیده) درین تاریخها دفتر حمدالله خالی از اشتباهات نیست: یعنی فرنگان (صهیون) را در ۴۹۲ هـ ق تسخیر کردند نه در ۴۹۰ (راجع التاریخ المنصوری: تلخیص الکشف والبیان فی حوادث الزمان - لابی الفضائل محمد بن علی الحمودی - مسکو، ۱۹۶۳ م، چاپ عکسی ورقه ۲۶) و ظاهراً حمدالله تسخیر ایشان مرسمیاط روم وانطاکیه شام را (در ۴۹۰) والرها را والحدث را Edesse و مرعش را در (۴۹۱ هـ ق) با تسخیر ایشان مر (صهیون) را در (۴۹۲ هـ ق) خلط کرده باشد و حقیقت تاریخی اینکه بیت المقدس را ایشان در ۴۹۲ یعنی دو سال بعدتر برگشودند.

حمدالله در تاریخ تسخیر مجدداً این شهر بردست اسلامیان نیز بخطا رفته چه مورخ ایوبیان که یاد کرده آمد، تسخیر صلاح الدین مر آنجا را در ۵۸۸ هـ ق میدهد، نه در ۵۸۵ که خطا بود ولی آبادانیدن آنرا بردست همین سلطان در ۵۸۸ می گوید یعنی در سال چهارم بقیه در صفحه بعد

و در زمانی که از ما نه چندان دورست - یعنی بروز کار کشورستانی های شاه - اسماعیل در ایران اتفاقاتی نظیر بهمین روی داد یعنی گوی اینککه آنچه را ما الان (محراب) میگوئیم از اصل در مساجد موجود نبوده بلکه آنرا اهل سنت و جماعت ظاهراً بروزگار سلاجقه داخل اسلام نموده اند و بعضی از علمای سنت و جماعت هم آنرا بدعت دانسته تقلیدی از جهودان یا از ترسایان یا از شمنان قلمداد کرده اند . این قدر هست که از روی دستور (عبدالرحمن خازنی) منجم باشی سلطان سنجر سلجوقی که سموت قبله دیار ایران را معلوم نموده .

سلاجقه در مساجد دیار اسلام که تابع ایشان بود هر جائی در سمت قبله رسمی و دولتی محرابی بر ساختند و عثمانیان که خود را وارث سلاجقه میدانستند درین امر غلوی کردند .

لکن شاه اسماعیل بر محاریب سلجوقی خط بطلان کشیده همه جا محاریب ایشان را بگل گرفت و ظاهراً بدستور (قبله نما) محرابهای دیگر راست کردن فرمود چنانکه محاریب یعنی سموت قبله اهل شیعه با محاریب سلجوقیان یکی چند درجه اختلاف حاصل نمود .

بقیه زیر نویس از صفحه قبل

تسخیر که عبارت از سال قتل (ابوالفتح سهروردی) باشد در دمشق بفتوای علمای سنی و قشری و در اتفاقات این سال گوید :

(وفیها شرع السلطان (صلاح الدین) رحمه الله ، فی عمارة بیت المقدس و احضر الصناع من الموصل و غیرها و تولاها بنفقة الکریمته رحمه الله و کان یعمل کاحدالفعالة فانشاء سورا جدیدا بالحجارة الکبار و العمد و عمق الخنادق و انفق من الاموال مالایحصى ابتغاء وجه الله ، رضی الله عنه ، وارضاه) راجع نفس الکتاب ورقة ۱۰۰ ظ

یعنی هم درینسال ۵۸۸ بیا غازیادشاه اسلام ، صلاح الدین ایوبی ، مرصهونرا آبادانیدن و از موصل و دیگر دیار صنعتگران و رازگان بدین منظور طلب فرمود و مطلقاً از بیت المال خاصه بر آن هزینه کرد و مانند دیگر گلکاران ، هم بطن شریف خویش دست اندر کار گل بزد و باره جدید برافروخت مرآن شهر را بسنگهای بزرگ با آلات جراثقال و گردبر گرد شهر خندقها ژرف کنانید ، و خواسته نهار مصروف آن کار فرمود ، خشنودی یزدانرا - یزدان ازوشادباد و روان اوشادگرد اناد .